

## قیچی اصلاحات دو تیغ دارد!

پس از دستگیری مدیرعامل و ۴۹ میلیارد تومان جریمه

## سازمان تعزیرات حکومتی نفت به فجیره و امارات می‌فروشد؟

چهار سال دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی را، اغلب سال‌های بسیار دشوار تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی حاکم در ۱۰ سال دوم جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند. در واقع نیز، اصلاحات از این معبر بسیار سخت و دشوار باید عبور کند تا آنچه بعنوان رفرم و یا تغییرات سیاسی بدست آمده و یا بیاید نهاده شده و تثبیت آن ممکن شود.

این تغییرات زمانی ممکن و عملی است که همزمان با ایجاد تغییرات در این ساختار، گذشته و عوارض و عواقب آن برای مردم روشن شده و آگاهی عمومی از دلائل بحران اقتصادی حاکم بر کشور هرچه بیشتر افزایش یابد. در چهار سال اول ریاست جمهوری محمدخاتمی، به دلائل گوناگون و از جمله ائتلافی بودن کابینه وی با کارگزاران سازندگی و حضور گرایش‌های راست در این سازمان در بخش‌های اقتصادی و کلیدی دولت نه افشاگری‌های اقتصادی توانست به مطبوعات راه یابد و نه لویایح دولتی برای تغییر ساختار اقتصادی حاکم به مجلس تسلیم شد. در مجلس پنجم، بدلیل تسلط ائتلاف روحانیت مبارز، مولفه اسلامی و محفل حقانی (حجتیه) بر این مجلس و رهبری و هدایت مجلس از محافل مالی خارج از مجلس و وابسته به همین سازمان‌ها و تشکل‌ها چنین امری حداقل در وجه لویایح دولتی - پیش نرفت و نمی‌توانست هم پیش برود، اما تعجب آنجاست که از ظرفیت‌های مجلس ششم نیز در این عرصه هنوز استفاده نشده‌است. تشکیل کابینه‌ای برخاسته از نیازهای جامعه و ضرورت‌هایی که مردم با توجه به آن، به محمدخاتمی برای چهار سال دیگر رای دادند، باید چنان باشد که مشکلات درون دولتی دوره اول ریاست جمهوری محمدخاتمی - حداقل در درون کابینه - وجود نداشته باشد و مجلس ششم نیز با همه ظرفیت‌های خود در این زمینه هم‌گام دولت حرکت کند. به همین دلیل است که بازبینی سیاست‌ها، گرایش‌ها، سخنان و موضع‌گیری‌های اعضای کابینه و مشاوران ریاست جمهوری در آن دوره اهمیت پیدا می‌کند. اهمیت این امر چنان است، که علیرغم سخنان عام و قابل تأییدی که از سوی رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در زمینه سمت‌گیری اقتصادی دوره دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی بیان می‌شود، نمی‌توان با پوشیده گوئی و کلی گوئی‌های این سازمان و رهبران آن نیز موافق بود. مثلاً وقتی آقای "محمدسلامتی" در باره استراتژی اصلاحات، از اقتصاد دموکراتیک دفاع می‌کند (روزنامه صدای عدالت ۳۰ تیرماه ۸۰)، ضمن تأیید این برداشت از استراتژی اصلاحات، نمی‌توان با این نوع کلی‌گوئی‌ها موافقت داشت، چرا که مردم به وضوح در نمی‌یابند منظور از اقتصاد دموکراتیک چیست و ساختار اقتصادی کنونی جمهوری اسلامی به چه دلائلی دارای ساختار غیردموکراتیک به معنای بهره‌مند بودن و بهره‌مند شدن همه مردم ایران از مواهب و منابع کشور است؟

آندسته از محافظی که برای سمت‌گیری دموکراتیک در اقتصاد کشور لحظه شماری می‌کنند و سرنوشت اصلاحات و دستیابی جنبش به خواست‌های همه جانبه خود را گرو آن می‌دانند، در چهار سال گذشته شاهد بودند که نیروهای معینی در جبهه اصلاح طلبان، همه جانبه و همه روزه با بهره‌گیری از همه امکانات، سیاست‌های اقتصادی شکست خورده دولت رفسنجانی - مولفه را بعنوان اهداف اقتصادی کنونی تبلیغ کردند. این درحالی است که اساساً جنبش کنونی در مقابله با نتایج آن سیاست‌ها شکل گرفته‌است. به چند نمونه توجه کنیم: روزنامه "آفتاب یزد" در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۸۰، با عنوان بزرگ در صفحه اول خود نوشت: «موفقیتی دیگر در سیاست خارجی خاتمی، بانک جهانی با پرداخت وام به ایران موافقت کرد!»

در باره این خبر که ظاهراً پس از تصویب یک وام ۷۰۰ میلیون دلاری بانک جهانی به ایران، سعی بر تأثیر آن بر افکار عمومی جامعه دارد باید گفت: اگر اخذ وام از بانک جهانی و دیگر موسسات مالی امپریالیستی یک موفقیت باشد، دولت رفسنجانی - مولفه با اخذ بیش از ۳۰ میلیارد دلار وام از این موسسات، به مراتب موفق تر از دولت خاتمی بوده‌است! به یاد داریم که محمدخاتمی بارها مخالفت خود را با قرضه خارجی اعلام کرده‌است. با توجه به چنین واقعیتی، وظیفه مطبوعات هوادار دولت و جنبش دوم خرداد این است که بجای ایجاد شبهه در افکار عمومی، به افشای نیروهای در درون دولت و حاکمیت و آن شرایطی بپردازند که می‌کوشند رئیس دولت را به زیر پا گذاشتن یکی از وعده‌های انتخاباتی خود و اخذ وام از نهادهای امپریالیستی کند.

"علی‌اصغر بدری" در ستون دیدگاه‌های روزنامه نوروز ۵ خرداد ۸۰، ضمن توصیه به خاتمی در پذیرش ضرورت اتخاذ سیاست اقتصاد بازار نوشت: «سومین نکته که شاید از همه مهمتر است، مقوله سازمان تجارت جهانی است. تا برقرار شدن نظام سازمان تجارت جهانی فقط ۴ سال، یعنی دقیقاً معادل عمر دولت آینده فرصت داریم. تا این برقراری باید تمام زمینه‌های پیوستن فراهم شود. مثلاً باید بارانه‌ها را برداریم.»

صرفنظر از اینکه بار دیگر عضویت ایران در این سازمان توسط امریکا بدلائل سیاسی وتو شد، این نظر اصرار دارد، طرح‌های اقتصادی جناح ارتجاع، از آن جمله پیوستن به سازمان تجارت جهانی تحقق یابد. در صورت چنین تحقق سلطه کامل و همه جانبه مافیای اقتصادی بر حیات اقتصادی کشور و خارج بودن این مافیا از دایره هر گونه نظارت و رسیدگی قانونی تثبیت شود. چنین سیاست‌هایی بازتاب دهنده اهداف و خواست‌های مردم و جنبش آنهاست؟

به یاد داریم که پیش از اعلام نامزدی خاتمی برای شرکت در دوره هفتم ریاست جمهوری، در سال ۱۳۷۵ ناطق نوری اعلام کرد که ضمن ادامه سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی، شرایط پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی را فراهم خواهد کرد. در همان سال محمدجواد اردشیر لاریجانی نماینده ایشان طی مصاحبه‌ای در لندن و در حضور حضار انگلیسی، با گله‌آمیزی نسبت به دولت جمهوری اسلامی آن را "دستگاه دولتی آماس کرده" اعلام کرد و اطمینان داد «ناطق نوری فعالیت بخش خصوصی را تشویق می‌کند، دولت را از فعالیت‌های مالی و اقتصادی برکنار می‌دارد و از ابعاد دولت می‌کاهد» ناطق دوری برنامه خصوصی سازی شرکت‌های دولتی و ایجاد شرایط پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی را با سرعت بیشتر انجام خواهد داد. (همشهری ۲۸ اسفند ۷۵)

معنای صریح این سخنان آن بود که دولت هاشمی نتوانسته برنامه تعدیل اقتصادی را آنگونه که مورد نظر بانک جهانی و محافل امپریالیستی است دنبال کند و "اماس" کرده‌است. چنانچه ناطق نوری جانشین او شود، کابینه یکدست وی، که در آن سرمایه‌داری تجاری بزرگ و وابسته ایران برتری کامل خواهند داشت، این برنامه را همانگونه و با همان سرعتی پیش خواهد برد که مورد نظر محافل امپریالیستی، بانک جهانی و بویژه انگلستان است!

اخیرا فاش شد، که زمانی که ناطق نوری و دیگر نمایندگان جناح ارتجاع-بازار به بیگانگان قول پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی را می‌دادند، بصورت همزمان و بدور از اطلاع مردم تقاضای عضویت ایران را به این سازمان تقدیم کرده بودند. خبرگزاری "یونایتدپرس" در گزارش ۸ ماه مه ۲۰۰۱ خود، راجع به موافقت امریکا و اسرائیل با مطرح شدن تقاضای عضویت ایران در اجلاس تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی نوشت: «تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی سه شنبه گذشته چند سانتیمتر به جلو حرکت کرد. طی یک اقدام از نظر سیاسی مهم، امریکا و اسرائیل سیاست جلوگیری از طرح تقاضای عضویت ایران را رها کردند. امریکا و اسرائیل اجازه دادند که تقاضای ایران در دستور کار شورای تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی قرارگیرد. این دو دولت از سپتامبر ۱۹۹۶ که برای اولین بار تقاضای عضویت ایران مطرح شد (یعنی بالغ بر ۵ سال پیش) تاکنون از رفتن تقاضای ایران به شورای تصمیم‌گیری ممانعت می‌کردند.»

حال باید پرسید: آن مطالبی که در روزنامه‌های طرفدار اصلاحات در تأیید سیاست‌های بالا منتشر می‌شود، چه سنخیتی با جنبش مردم و اصلاحات دارد؟ اصلاحات که تنها روزنامه منتشر کردن نیست! باید دید آنچه که در این روزنامه‌ها، نه فقط در زمینه توسعه سیاسی، بلکه در عرصه توسعه اقتصادی نوشته می‌شود چیست؟! اصلاحات یک قیچی دو تیغه بنام توسعه اقتصادی و سیاسی است، هرگز با یک تیغ کند، آن تیغ دیگر هر اندازه هم که تیز باشد کاری از پیش نمی‌برد. هیچ استاد سلمانی هم با چنین قیچی نمی‌تواند موی کسی را اصلاح کند. در چهار سال گذشته، این یکی از گرفتاری‌های جدی دولت و اغلب مطبوعات تازه تاسیس و طرفدار اصلاحات بوده‌است.

اخیرا صادق زیباکلام که ظاهرا استاد علوم سیاسی است به جمع کارشناسان مسائل اقتصادی نیز پیوسته و خواهان از میان برداشتن یارانه‌ها شده‌است. بنا به گزارش "آفتاب یزد" ۱۲ دیماه ۷۹ زیبا کلام در جمع شماری از دانشجویان مراکز آموزش عالی یزد گفت: «طی سه سال گذشته اصلاحات در حوزه اقتصاد، دست‌آوردی نداشته و در صورت ادامه روند فعلی تا ۳۰ سال دیگر هم موفقیتی نخواهد داشت. تنها راه علاج اقتصاد بیمار کشور خارج شدن این بخش (اقتصاد) از سیطره دولت است. سالانه می‌توان از محل یارانه نان و انرژی ۷۰ دانشگاه مانند دانشگاه تهران را با ۴۰ هزار دانشجوی اداره کرد»

مبلغین سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، که در چهار سال اول دولت خاتمی، در نقش اصلاح طلبان در مطبوعات ظهور یافتند و از سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی و استراتژی تحقق نیافته ناطق نوری دفاع کردند، با حمله به نقش دولت. آن را باعث و بانی همه مشکلات اقتصادی کشور معرفی کردند و عملا آب به آسیاب مافیای اقتصادی ریختند. جهت اطلاع به چند نکته کوچک اشاره می‌کنیم.

بنا به گفته محمود یگانگی، نماینده ارومیه، بیش از ۴۲ درصد از تولید ناخالص کشور، یعنی ۴۲ درصد کالاها و خدمات تولیدی در کشور،

خارج از کنترل دولت و در اختیار مافیای اقتصادی است. بنا به گزارش روزنامه حیات نو مورخ ۳۱ اردیبهشت ۸۰، «نماینده ارومیه در جمع اعضای شاخه جوانان جبهه مشارکت و جمعی از مردم شهرستان ماکو افزود: با این وضع چگونه انتظار داریم که دولت برای اقتصاد برنامه ریزی اصولی داشته باشد؟ وی اضافه کرد: وارد کردن مرغ از خارج بدون اجازه دولت درست موقعی که محصولات داخلی آماده ارائه به بازار است باعث عدم فروش محصولات کشاورزان و سبب ساز ضرر و زیان هنگفت می‌شود.»

این گوشه‌ای از افشاگری بسیار مهمی است که اخیرا محمدخاتمی کرد و اعلام داشت که ۲٫۵ میلیارد دلار واردات قاچاق کالا به کشور کمر تولید داخلی را شکسته است.

یکی دیگر از این نوع نظریه پردازان اقتصادی که در چهار سال گذشته مطبوعات کشور او را مطرح کرده‌اند موسی غنی نژاد است که اخیرا خانه‌کارگر نیز پاسخ مستدلی در ارتباط با دیدگاه‌های اقتصادی وی به او داده است.

روشنفکرانی امثال زیباکلام و غنی‌نژاد، چشم خود را بر سلطه مافیای تجارت بر نزدیک به نیمی از تولید ناخالص ملی کشور بسته و به نفع همین مافیا شعار کوچک کردن دولت، لغو یارانه‌ها و سپردن سکان اقتصادی کشور به دست آن را می‌دهند. این در حالی است که حتی در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، هرگاه که سران ۸ کشور بزرگ سرمایه‌داری جهان در سال‌های اخیر جمع شده‌اند تا تصمیمی در زمینه کنترل اقتصادی جهان و تسلط بر جهان بگیرند با مقاومت مردم همین کشورها روبرو شده‌اند، که آخرین آن اجلاس همین سران در ایتالیا است.

کسانی که در چهار سال گذشته از سیاست لغو یارانه‌های دولتی دفاع کرده‌اند، با آرامش و سکوت از کنار غارت میلیاردی کشور و نابودکنندگان صنایع و انرژی کشور گذشته‌اند. درآمد‌های نجومی غیر قانونی این مافیا از واسطه بودن در امضای قراردادهای موسوم به بیع متقابل و حق دلالی و انجام کارهای مقاطعه‌کاری شرکت‌های نفتی خارجی در چارچوب این قرار دادها به کنار، در اینجا فقط به کوشه‌ای از درآمد این مافیا از قاچاق بنزین و فرآورده‌های مورد نیاز بازار داخلی به کشورهای خلیج فارس اشاره می‌کنیم:

روزنامه خرداد مورخ ۸ بهمن ۷۸، طی خبری تحت عنوان "جریمه ۴۹ میلیارد تومانی" نوشت: «چندی پیش یک مقام سازمان تعزیرات حکومتی اعلام کرد یک شرکت خدماتی به علت تخلف در خرید و فروش ارز ۴۹ میلیارد تومانی جریمه شد، اما پیگیری‌های مطبوعات برای درج اطلاعات بیشتر از این خبر به جایی نرسید. به تازگی ماهنامه "تربری" در دومین شماره خود نوشته‌است: شرکتی که به جریمه ۴۹ میلیارد تومانی محکوم شده "ایران مارین سرویسز" (شرکت خدمات درمانی ایران) است. این شرکت فرآورده‌های نفتی را از طریق نفت کش‌های جاده‌ای و راه‌آهن به بنادر جنوبی ایران و در نهایت با کشتی به فجیره و امارات حمل و در آنجا به خریدار تحویل می‌داد. در حال حاضر این بخش از فعالیت‌های این شرکت تعطیل شده (گویا به خاطر کاهش شدید قیمت نفت). مدیر عامل آن بیش از یکسال است که در گوشه زندان به سر می‌برد. از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، مدیرعامل تازه‌ای برای آن انتخاب شده که تلاش می‌کند فعالیت‌های مختلف این شرکت ادامه یابد.»

خرداد را بستند و عبدالله نوری، مدیر مسئول آن را زندانی کردند. آیا دیگر مطبوعات باقی مانده در صحنه توانستند این بخش از وظیفه روزنامه خرداد و عبدالله نوری را دنبال کنند؟